

بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛

مطالعه موردی شهر مشهد^۱

پری‌ناز بیدل^۲

دکتر علی‌اکبر محمودزاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۹/۲۸

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی بوده است. تحقیق از نوع پیمایشی بوده و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری، افراد بیست سال به بالای شهر مشهد در سال ۱۳۹۰ با جمعیتی معادل ۱۵۳۰۸۲۷ نفر بوده و تعداد حجم نمونه ۳۸۴ نفر بوده و از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای تخصیص حجم نمونه استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد میانگین میزان تعلق اجتماعی پاسخگویان نمره ۲/۷ بوده است و تا نمره ۵ که ماکزیمم آن بوده است، به مقدار ۲/۳ نمره فاصله داشته است. یعنی میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران در سطح متوسط بوده است. با افزایش سن، تعلق اجتماعی نیز افزایش یافته است. میزان تعلق اجتماعی در بین قوم فارس نسبت به سایر اقوام و همین‌طور شاغلان نسبت به سایر افراد و در طبقه متوسط نسبت به طبقات دیگر بیشتر بوده است. مجموع متغیرهای مستقلی که وارد رگرسیون چند متغیره شده‌اند با ۴۰ درصد ضریب تعیین، تغییرات مربوط به متغیر

۱. استاد راهنمای پایان‌نامه، استاد دانشگاه قوچان و عضو هیئت علمی دانشگاه شیروان

p.bidel@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

۳. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر مشهد)» در دانشگاه قوچان است

تابع را تبیین کرده‌اند ($R^2=0/40$) که متغیر «اعتماد اجتماعی» با ضریب تعیین $0/61$ بیشترین تأثیر بر تعلق اجتماعی را داشته و سپس «فردگرایی افراطی» با ضریب تعیین $0/18$ - در مرتبه بعدی تأثیرگذاری قرار گرفته است؛ بنابراین افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی در افراد، بیشترین آسیب را بر میزان تعلق اجتماعی آنان داشته است. واژگان کلیدی: تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی.

مقدمه

تعلق خاطر به جامعه به عنوان حسی بالنده میان مردمی که از منافع و سرنوشت مشترک برخوردارند، بسیار حیاتی است و وجود جامعه متضمن علاقه و وابستگی و وفاداری افراد به آن و احساس پیوستگی به «مای» کلی است (پولینی، ۲۰۰۰). این همان پاسخ عاطفی نسبت به «مای» بزرگ‌تر است که تجلی عینی آن این است که فرد خود را جزئی از «مای» بزرگ‌تر و جامعه را خانه خود می‌داند؛ به عبارتی این احساس تعلق اجتماعی است که ریشه تفاوت یک فرد از یک جامعه با افراد جوامع دیگر است (عاملی، ۲۰۰۲) و آنچه اساس تمییز یک ایرانی از غیرایرانی می‌شود، همین است؛ چراکه در هویت یابی ملی، مردم یک جامعه در این احساس با هم اشتراک دارند و به هم پیوند می‌خورند.

از نظر مارکوسکی و لاوور، وابستگی احساسی موجب تقویت و تثبیت همبستگی گروهی می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۱۶)؛ زیرا حس تعلق گروهی، به عنوان عنصر اساسی و سازنده گروه، زمینه پیوند اعضای گروه و در نتیجه پویایی گروهی را تضمین می‌کند (هومانس، ۱۹۷۲). به نقل از هومانس^۱ از آنجا که حس تعلق گروهی به کنش اجتماعی افراد جهت می‌دهد، مسیر دوام و توسعه گروه را نیز هموار می‌کند و از این رو، هرگونه تضعیف آن موجب تضعیف بنیان‌های اجتماعی گروه می‌شود. از آنجا که کلی‌ترین «مایی» که فرد به آن تعلق دارد جامعه است، احساس تعلق نسبت به این «ما» شرط بقا و پویایی زندگی اجتماعی است.

نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه در کشورهای توسعه‌یافته به مراتب بیش از کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است. یکی از این تحقیقات که در مؤسسه ECLAC انجام گرفته است، به مقایسه کشورهای امریکای لاتین و حوزه کارائیب با کشورهای دیگر پرداخته و نتایج آن نشان‌دهنده این موضوع است که تعلق



اجتماعی هم به عنوان عامل مؤثر و هم عامل تأثیرپذیر در جریان توسعه‌یافتگی نقش مهمی ایفا می‌کند.

شرایط اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار بر افزایش تعلقات اجتماعی است، چراکه شرایط اجتماعی نامتعادل همانند وجود تبعیض و محرومیت می‌تواند سبب تصور و ادراک منفی در افراد نسبت به جامعه شود که نتیجه این ادراک، نارضایتی اجتماعی و سرخوردگی و بی‌اعتمادی عمومی است که بر احساس تعلق اجتماعی افراد مؤثر است (اسکالا، ۲۰۰۷). همچنین برخورداری از مزایای اجتماعی برابر، برای هر شهروندی لازمه ایفای نقش و حیات اجتماعی اوست؛ زیرا بدین صورت، مسیر فرار از تعاملات ملی و محیط اجتماعی مسدود می‌شود.

باید خاطرنشان کرد از آنجاکه کم و کیف توسعه، بر رفتار یکایک افراد جامعه تأثیر دارد، اگر زمانی افراد یک جامعه، بین ایفای نقش و برخورداری از مزایا، تعادل احساس نکنند و از آنچه حق خود می‌دانند، محروم بمانند، دچار نارضایتی شده و به‌زودی ریشه ناکامی‌های خود را پیدا کرده و به مقابله با آن برمی‌خیزند. مبارزه با این ناکامی ممکن است به اشکال مختلفی همانند مبارزه با نهاد سیاسی و بی‌اعتنایی سیاسی و کاهش تعلق خاطر به هویت ملی و انزوای اجتماعی یا ترک وطن و غیره جلوه‌گر شود.

نقطه مقابل حس تعلق اجتماعی، خودخواهی و منفعت‌طلبی فردی است که در کنش‌های فردی جلوه‌گر می‌شود. وضع کنونی جامعه به گونه‌ای است که افراد بر اساس نیازها و علایق فردی خودشان، در جامعه رفتار می‌کنند و در حقیقت می‌توان گفت نوعی فردگرایی منفی در جامعه گسترش یافته که شرایط اجتماعی زمینه‌ساز این مسئله بوده است (موحدی، ۱۳۸۶).

چنانکه نتایج گستره‌ای از تحقیقات (چلبی، ۱۳۸۱؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳؛ نوروزی، ۱۳۷۵؛ محمدی شکبیا، ۱۳۷۹؛ بیات، ۱۳۷۲)، سمینارها («بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی»، ۱۳۷۹)، کتاب‌ها (قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸؛ نراقی، ۱۳۸۰) و نیز توجه برنامه‌ریزان و مدیران فرهنگی کشور به این مسئله، شاهدهی بر این مدعاست. وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه، برای هر جامعه ضرورت دارد، زیرا طیف عمده‌ای از مسائل اجتماعی (در معنای عام آن)، به عدم «ملاحظه دیگران» یا «دیگرینی»^۱ در رفتارهای فردی و جمعی افراد باز می‌گردد (جوادی‌یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴).

در اینجا این بحث مطرح می‌شود که با توجه به ساختار جامعه ایران و سطح توسعه آن به

1. Other-regarding



عنوان یک جامعه در حال گذار (ربیعی، ۱۳۸۷)، مردم آن چه اندازه به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تعلق دارند و چه عوامل اجتماعی‌ای بر این میزان تعلق مؤثر بوده است؟ و کاهش حس تعلق اجتماعی چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

با توجه به مطالب گفته‌شده، این مهم مدنظر است که میزان احساس تعلق اجتماعی مردم در شهر مشهد به جامعه ایران چقدر است؟ و کدام عوامل اجتماعی بر آن مؤثرند؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

باتوجه به تغییرات جامعه امروزی، توجه به بحران‌های ایجادشده در سطح فردی و اجتماعی ضروری است. چراکه طبق نظر گیلنر «این عاملیت و ساختار است که موجب عملکرد اجتماعی شده و این دو، جدا از هم نیستند و کنش افراد، ساختار را و ساختار، کنش را شکل می‌دهد» (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۰۱). از آنجاکه فرد، پایه و اساس هر اجتماعی است، چگونه کنشگری که خود دچار بحران شده است می‌تواند ساختاری مناسب، باز تولید کند و از آنجاکه نقش فرد به عنوان کنشگر اجتماعی، در جریان توسعه یافتگی مهم و اساسی است، تعلق اجتماعی وی و همچنین چالش‌های ایجادشده در مسیر تعلق اجتماعی او، به دلیل اهمیت موضوع، قابل توجه و بررسی است.

بدون توجه به احساس دلبستگی فرد به جامعه، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، فاقد هرگونه پشتوانه خواهد بود زیرا اجرای برنامه‌ها و کارآمدی آنها، متضمن علاقه مردم به تداوم حیات اجتماعی و همبستگی با جامعه است. اگر در جامعه هرکس به فکر خود باشد، سازگاری، همبستگی و وحدت اجتماعی از بین خواهد رفت و افراد در جهت حفظ نهادهای اجتماعی تلاش نمی‌کنند. آنان دیگر به فکر صیانت از دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی نخواهند بود، دیگر کسی به رعایت هنجارها و تمسک به ارزش‌ها نمی‌اندیشد. چنین وضعیتی به تدریج آشفتنگی و ازهم‌گسیختگی شدید اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است چنین جامعه‌ای شرایط توسعه و توسعه‌یافتگی را نخواهد داشت (ناطق‌پور، ۱۳۸۳)؛ بنابراین ضرورت ایجاد حس تعلق اجتماعی به عنوان عاملی اساسی، در حیات اجتماع، شناخته و عوامل مؤثر در تقویت و تضعیف آن شناسایی شوند.

از نظر محقق، با توجه به مطالعاتی که در نتایج تحقیقات متعدد داشته است (از جمله تحقیقات ناطق‌پور)، کاهش حس تعلق خاطر نسبت به جامعه می‌تواند پیامدهای بسیار مخربی در جامعه داشته باشد از جمله: افزایش میزان مهاجرت، کاهش امید به آینده، انزوای فردی،



احساس جدایی و سردرگمی در جامعه، از خودبیگانگی، گرایش به ارزش‌های بیگانه، کاهش احساس امنیت، مخدوش شدن روابط بین حقوق و تکالیف نقش‌ها، دشوار شدن پیش‌بینی کنش‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی، قانون‌گریزی، نزول گرایش به نظم، کاهش وفاق اجتماعی و از بین رفتن انسجام اجتماعی، کاهش انگیزه برای پیشرفت و توسعه جامعه و بسیاری موارد دیگر که این خود توجیه‌کننده اهمیت تحقیق درباره میزان تعلق اجتماعی افراد و عوامل مؤثر بر آن است تا شاید بتوان با استفاده از نتایج این تحقیق، کمکی به جلوگیری یا کاهش این آسیب‌ها کرد. یکی دیگر از ضرورت‌های انجام تحقیق حاضر، این است که تاکنون تحقیق چندانی در این رابطه در کشور صورت نگرفته است. چنانکه محقق با مشاهده و بررسی‌ای که از طرح‌های تحقیقاتی و منابع اطلاعاتی موجود داشته به این نتیجه رسیده است. با توجه به بررسی‌ای که در پایگاه‌های اطلاعاتی منابع خارجی انجام شده، مشخص شد که در این زمینه، تحقیقات متعددی در کشورهای خارجی انجام شده است (مواردی از آنها در پیشینه تحقیق بیان شده است) و این می‌تواند به دلیل واقف بودن آن کشورها به اهمیت موضوع و میزان تأثیر آن بر زندگی اجتماعی باشد که خود گویای اهمیت و ضرورت بررسی تعلق اجتماعی به عنوان موضوع تحقیق حاضر در داخل کشور است.

با توجه به اینکه مشهد، به عنوان یکی از شهرهای مهم کشور، با جمعیت زیاد و ناهمگون می‌تواند تا اندازه زیادی مصداق ویژگی‌های جامعه ایران باشد، پس با انجام تحقیق در آن می‌توان نتایج به دست آمده از آن را تا اندازه‌ای به کل جامعه ایران تعمیم داد تا برای استفاده کاربردی در برنامه‌ریزی‌ها، مفید واقع شود. بدین ترتیب، پژوهش حاضر در راستای توجه به نیازهای جدید جامعه ایران در رسیدن به توسعه یافتگی، با هدف تشخیص عوامل مؤثر بر تعلق و پیامدهای آن در جامعه انجام می‌گیرد.

اهداف تحقیق

- بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران؛
- بررسی متغیرهای زمینه‌ای (جمعیت‌شناختی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی) مؤثر بر میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران؛
- بررسی تأثیر (اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی) بر میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران؛



ارائه راهکارها و پیشنهادهایی به منظور تقویت تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران.

قلمرو تحقیق

قلمرو زمانی، مکانی و مطالعاتی پژوهش مقطعی است زیرا وضعیت تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه را در سال ۱۳۹۰ در مشهد مطرح می‌کند. تحقیق در مناطق دوازده‌گانه و منطقه ثامن مشهد انجام شده و به بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد نسبت به جامعه ایران پرداخته است؛ بنابراین در سطح کلان مد نظر است.

پیشینه تجربی تحقیق

الف) پیشینه داخلی

بررسی هویت جمعی و جایگاه هویت ملی در شهر مشهد تحقیقی پیمایشی است که رزازی‌فر در آن به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر هویت ملی پرداخته است. نتایج تحقیق مذکور حاکی از آن بوده که میانگین میزان پایبندی نظری به هویت ملی ۷۴/۵۴، پایبندی عملی (تعهد ملی) ۷۰/۵۶ درجه، میانگین ارزش‌های ملی ۷۰/۴۶، ارزش‌های دینی ۷۵/۸۷، جامعه‌ای ۷۷/۷۲ و ارزش‌های انسانی ۷۰/۰۲ ذکر شده که به طور کلی میزان پایبندی نظری ۹۰ درصد و پایبندی عملی ۸۰ درصد را نشان داده است.

تحقیق دیگری به روش پیمایشی به بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه‌های آن پرداخته که به منظور بررسی میزان آگاهی و تعلق و تعهد جوانان نسبت به نمادهای مشترک در جامعه به عنوان ابعاد هویت ملی، انجام شده است. در نتایج تحقیق مشخص شد ۱۸/۵ درصد پاسخگویان دارای هویت ملی بالا، ۱۳ درصد متوسط و تنها ۱/۵ درصد دارای سطح پایین هستند. در حدود ۴۷ درصد نمونه آماری مصرف‌کننده رسانه‌های خارجی (اینترنت و ماهواره) بوده‌اند و میانگین هویت ملی این دسته به طور معناداری کمتر از جوانانی است که اصلاً اینترنت و ماهواره استفاده نمی‌کنند (ملکی و عباسپور، ۱۳۸۸).

تحقیق که چلبی در سال ۱۳۷۸ با عنوان «هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای» انجام داده به کم و کیف روابط بین قومی و هویت ملی اقوام پنج‌گانه (آذری، بلوچ، فارس، کرد و لر) پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن بود که تعلق و وفاداری اقوام پنج‌گانه به عناصر مهم هویت ملی بالا و امتیاز آن از ۰ تا ۱۰۰ بالاتر از ۷۵ بوده است؛ تعلق بلوچ‌ها و لرها از سایرین



بیشتر؛ همکاری بین قومی بر هویت ملی تأثیر مثبت و تعارض‌های بین قومی تأثیر منفی داشته است، یعنی با افزایش همکاری بین قومی، هویت ملی تقویت و با تعرض و خصومت، تعلق و وفاداری به اجتماع کم می‌شود (قمری، ۱۳۸۴).

در توجه به هویت ایرانی - جهانی و با هدف شناسایی هویت ایرانی در فرایند ورود ایران به جریان مدرنیته و تغییرات حاصل از آن، آزاد/ارمکی در سال ۱۳۸۰ پیمایشی انجام داده که در آن رابطه میزان تعلق ایرانی - اسلامی و به عبارتی رابطه غرور ملی با جنسیت، تأهل، سن و تحصیلات بررسی شده است. از یافته‌های تحقیق مشخص شد که ۸۹/۵ درصد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند؛ پاسخگویان با درآمد بیشتر به ایرانی بودن خود بیشتر از مسلمان بودن افتخار می‌کنند؛ زنان و افراد متأهل نسبت به مردان و مجردها بیشتر به مسلمان بودن خود تا ایرانی بودن خود می‌بالند. بزرگسالان و میانسالان نیز بیشتر بر مسلمان بودن تا ایرانی بودن و افراد تحصیل کرده بر ایرانی بودن بیشتر تأکید دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴).

در تحقیق پیمایشی دیگری، وضعیت اعتماد اجتماعی تعمیم یافته شهروندان ارومیه و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای تعاملات، اظهاری، گستردگی روابط، تعهد اجتماعی، دگرخواهی، مقبولیت اجتماعی و احساس امنیت، بر اعتماد تعمیم یافته، تأثیر داشته است. در تحقیق، به بررسی تعلق اجتماعی در جریان روابط اظهاری، برای ایجاد همبستگی و تعهد و دگرخواهی پرداخته شده و نتایج نشان داده که «تعلق خاطر به ما» سبب افزایش اعتماد تعمیم یافته بوده است (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸).

ب) تحقیقات خارجی

یک بررسی به روش اسنادی، به ارائه تصویری از تعلق اجتماعی و شاخص‌های آن پرداخته است. نویسنده ابتدا به بررسی زمینه‌های روابط انسانی و درگیری افراد در این روابط پرداخته و سپس به دو بعد از مداخله انسان اشاره کرده که عبارتند از: روابط غیرنمادین و نمادین. تعلق اجتماعی و انطباق فرهنگی را در بعد نمادین مداخله انسانی قرار داده و سپس با ارائه نظریه‌هایی از دورکیم، وبر، مید، پارک، پارسونز، مرتون و تونیس در رابطه با تعلق اجتماعی، به مقایسه و تحلیل آنها پرداخته و با تأکید بیشتر بر نظر پارسونز، ساختار تعلق اجتماعی و مؤلفه‌های آن و روابط بین آنها را ترسیم کرده است (پولینی، ۲۰۰۰).

یافته‌های تحقیقی که کروس. جی. ای^۱ در کالیفرنیا با هدف مشخص کردن موضوع





احساس دل‌بستگی اجتماعی و فراهم کردن ابزار سنجش معتبر، برای مطالعات بعدی انجام داد، نشان می‌دهد که موضوع دل‌بستگی به جامعه در سه بعد مطرح است: محیط طبیعی، محیط مصنوعی، محیط اجتماعی (روابط اجتماعی). همچنین دل‌بستگی به جامعه در پنج بُعد اصلی مطرح شده است شامل احساس رضایت، احساس راحتی نسبت به خانه، هویت، وابستگی عاطفی و تنظیمات شناختی (شامل احساس و قضاوت) (کروس. جی. ای، ۲۰۰۳).

در یکی دیگر از تحقیقاتی که به منظور طبقه‌بندی عوامل تعیین‌کننده دل‌بستگی اجتماعی و تعیین وسایل اندازه‌گیری دل‌بستگی با هدف پیمایش ملی و محلی دل‌بستگی اجتماعی انجام گرفته، محقق به دنبال بررسی ساختمان تعلق اجتماعی و تأثیر تحرک و ناپایداری اقامتی بر تعلق بوده است. پژوهش مذکور از نوع اسنادی بوده و محقق به بررسی و مقایسه تحقیقات قبلی پرداخته که بالغ بر ۵۰ مقاله در زمینه‌های متعددی همچون جامعه‌شناسی، جغرافیای انسانی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی و ارتباطات و توسعه اجتماعی و اقتصادی (از ۲۰۰۳ تا ۱۹۸۰) را شامل می‌شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که سه عنصر شناختی، عاطفی، و رابطه‌ای سبب اتصال فرد به یک مکان می‌شوند؛ از سوی دیگر شاخص‌های تعاملات اجتماعی و مؤدّت (دوستی‌های محلی)، احساسات (رضایت)، مشارکت در جامعه، هویت مکانی، و ثبات شرایط اقامتی از شاخص‌های دل‌بستگی به مکان بوده که در بیشتر بررسی‌ها مطرح شده‌اند (بوو، ۲۰۰۴).

نارایان^۱ و کسیدی^۲ در یک بررسی پیمایشی، مجموعه‌ای از پرسش‌های معتبر را که برای تحقیقات و طرح‌های اجرایی در کشورهای تانزانیا (۱۹۹۹)، اندونزی (۱۹۹۹) و بولیوی (۲۰۰۰) مد نظر بوده، تنظیم کرده و سپس به عنوان ابزار سنجش در کشورهای افریقایی غنا و اوگاندا استفاده عملی کرده‌اند. این بررسی به منظور فراهم کردن یک ابزار اندازه‌گیری معتبر با هدف سنجش سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های دیگر انجام گرفته است که در آن عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی عبارتند از: همبستگی اجتماعی، توانمندی و حس تعلق. همچنین پیامدهای سرمایه اجتماعی به این ترتیب عنوان شده‌اند: مشارکت سیاسی و امنیت؛ ایمنی؛ توانمندی و انسجام اجتماعی و در نهایت اینکه حس تعلق سبب افزایش مشارکت و همچنین توانمندی و سپس انسجام اجتماعی شده است.

موضوع تحقیق دیگری که از مرکز تحقیقات مسائل اجتماعی بریتانیا (SIRC) در ۲۰۰۷ ارائه شده است، تعلق و هویت اجتماعی با توجه به تغییرات جدید و به‌ویژه بحث جهانی شدن

1. Narayan
2. Cassidy
3. Survy international Research Centre

و فناوری ارتباطی و دنیای مجازی بوده است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این مسائل انجام شده بود: تعلق خاطر افراد در قرن بیست و یکم در بریتانیا چگونه است؟ چه راه‌های جدیدی در تعریف هویت و حس تعلق شکل گرفته است؟ چه عواملی مبنای این حس در قرن جدید هستند؟ در این تحقیق، تعلق اجتماعی نسبت به خانواده، دوستان، مکان، هویت ملی، نژاد، قومیت، طبقه، هویت سیاسی، مذهب، سبک زندگی، هویت حرفه‌ای، تعلق آنلاین و دنیای مجازی بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که ۸۸ درصد از مردم خانواده را؛ ۶۰ درصد دوستان را و بیش از یک‌سوم ملیت را مهم‌ترین بخش تعلق خاطر خود دانسته‌اند. تعلق حرفه‌ای و یا شغلی و روحیه تیمی و منافع مشترک نیز در حال افزایش بوده و حتی تعلق تیمی افراد از تعلقات سیاسی، مذهبی، طبقه، قومیت و وابستگی سیاسی نیز بیشتر بوده است. دیگر اینکه شش دسته از عوامل بوده‌اند که افراد به آنها تعلق بیشتری داشته‌اند: خانواده، دوستان، سبک زندگی، ملیت، هویت حرفه‌ای، روحیه تیمی. همچنین تعلق آنلاین و فضای مجازی اینترنتی در عصر جدید، اهمیت زیادی پیدا کرده است. در نهایت اینکه، افراد در حس تعلق به عوامل متعدد با هم تفاوت دارند و این حس با توجه به زمان و شرایط اجتماعی متغیر است.



مرکز آمار کانادا در ۲۰۰۳ یک پیمایش اجتماعی عمومی درباره تعهد اجتماعی انجام داده که شامل سه بخش است: ۱) نگرش و تصویر فرد از کانادا؛ ۲) توجه به فعالیت‌های کانادایی‌ها؛ ۳) شامل خلاصه‌ای از شبکه‌های اجتماعی که کانادایی‌ها در آن عضو هستند. یافته‌های نظرسنجی بیانگر این مطلب بود که در مجموع ۸۵ درصد افراد تعلق خود به کانادا را با شدت بسیار قوی و تا اندازه‌ای قوی ابراز کرده‌اند؛ مردم کانادا احساس تعلق خود را به کانادا ۸۸ درصد، به استان خود ۸۱ درصد و به جامعه محلی خود ۷۰ درصد؛ با شدت بسیار قوی عنوان کرده‌اند. در این گزارش، یک نمای کلی با آمار توصیفی از ویژگی‌های کانادایی‌ها مانند سن، جنس، استان، محل اقامت، زبان و پیشرفت تحصیلی ارائه شده و سپس رابطه آنها را با تعلق، تحلیل کرده است. سپس رابطه تعلق افراد به عوامل اجتماعی دیگر نیز مشخص شده است: نیمی از کانادایی‌ها، احساس رضایت اجتماعی داشته‌اند که این درجه با فعالیت و نگرش آنها در ارتباط بوده است؛ یعنی افراد با تعلق بالا، رضایت خود را نیز بسیار قوی ابراز کرده‌اند. اعتماد و اطمینان افراد به مؤسسه‌ها، در افرادی که رضایت بیشتری داشته‌اند، بیشتر بوده است. احساس تعلق بسیار قوی بر میزان مشارکت بالاتر تأثیر داشته و در نهایت اینکه، حس تعلق موجب افزایش سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه می‌شود (کانادا، ۲۰۰۴).

پژوهشی اسنادی و پیمایشی درباره انسجام اجتماعی و رابطه آن با تعلق اجتماعی در

کشورهای امریکای لاتین و حوزه کارائیب انجام شده که در آن برای تعلق اجتماعی این شاخص‌ها مطرح شده است: اعتماد (به دیگران و نهادها) و مشارکت (سیاسی، انتخاباتی، اجتماعی، تابعی) و انتظارات برای آینده (درباره وضعیت جامعه، وضع رفاه خود و خانواده، تحرک اجتماعی برای خود و خانواده). همچنین به بررسی تأثیر رفاه ملی و نابرابری، فقر و خطر آن بر انسجام اجتماعی توجه شده است (ECLAC, 2007).

جمع‌بندی پیشینه تحقیق

درباره کل تحقیقات مطرح شده در پیشینه تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر تحقیقات ضمن توصیف، بیشتر با تأکید بر تبیین متغیرها - چه به عنوان متغیر مستقل و چه وابسته یا به عنوان بعدی از ابعاد این دو - بررسی‌های لازم را انجام داده‌اند. پژوهش‌های داخلی، تعلق اجتماعی را بیشتر به عنوان بعدی از هویت جمعی و یا شاخص شهروندی در نظر دارند و یا در بحث از ابعاد انسجام و سرمایه و مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی به آن پرداخته‌اند. از جمله مواردی که در بیشتر بررسی‌ها مدنظر بوده است، عوامل زیستی - اجتماعی است. همچنین روش بیشتر تحقیقات، پیمایشی بوده و اغلب با تکنیک پرسشنامه کار شده‌اند. هیچ‌گونه تحقیقی با بنیان نظری در داخل کشور در این رابطه نوشته نشده که بتوان از چهارچوب نظری آن سود جست. برخی از مسائل اجتماعی مانند اعتماد و فردیت‌طلبی که در تحقیق حاضر مدنظر است، در بعضی از این تحقیقات بررسی شده که در این پژوهش به عنوان عامل تأثیرگذار بر تعلق اجتماعی گنجانده شده است. هیچ‌کدام از تحقیقات داخلی به موضوع اصلی که در پژوهش حاضر، مهم می‌نماید، توجه نکرده‌اند. این نشان‌دهنده بی‌توجهی به موضوع در داخل کشور است که در بخش ضرورت‌ها نیز مطرح شده است.

مباحث نظری تحقیق

الف) نظریه کنش اجتماعی

پارسونز نظام شخصیت را نظام سازمان‌یافته‌ای از جهت‌گیری و انگیزش کنش‌کنشگر فردی می‌انگارد. عنصر سازنده بنیادی شخصیت، تمایلات نیازی است. وی تمایلات نیازی را مهم‌ترین واحدهای انگیزش کنش می‌داند و معتقد است این تمایلات فطری نیستند بلکه طی فراگرد کنش به دست می‌آیند و به عبارتی، کنش‌هایی هستند که به وسیله زمینه اجتماعی شکل می‌گیرند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۴۰).



آنچه از نظریه بالا، با موضوع پژوهش حاضر در ارتباط است این است که حس تعلق، یکی از تمایلات و نیازهای افراد است و با توجه به ساختار و عوامل اجتماعی شکل می‌گیرد و تغییر می‌یابد و از سویی، حس تعلق به عنوان جهت‌گیری کنش، پایه و اساس روابط اجتماعی بین مردم است.

ب) نظریه فردگرایی

پارسونز با ارائه الگوهایی عام، متغیرهای اصلی در کنش اجتماعی را در پنج زوج معرفی می‌کند: (۱) دلبستگی در برابر بی‌طرفی؛ (۲) جنبه کلی هدف در برابر جنبه جزئی آن؛ (۳) خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی؛ (۴) خود انجام کنش در برابر کیفیت ذاتی کنش؛ (۵) منافع جمعی در برابر منافع فردی (محمودی اصل، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۲). طبق آخرین متغیر، عمل‌کننده اجتماعی می‌تواند برحسب اهدافی که کاملاً شخصی و پاسخگوی منافع خصوصی او هستند، انتخاب و عمل کند و بدین‌سان او به دلیل خودمداری انتخاب می‌کند و برعکس. او می‌تواند برحسب اهداف و منافع که در آن با دیگر عمل‌کنندگان اجتماعی مشترک است یا افراد جمعی که بدان تعلق دارد، عمل کند و در این صورت، او به نفع جماعت انتخاب کرده است (روشه، ۱۳۷۴: ۸۸).

وبر بر معنای ذهنی‌ای که کنشگر از کنش خود در نظر دارد، تأکید دارد و انواع کنش را با توجه به این معنا، به این صورت مطرح کرده است:

کنش عقلایی هدفمند: شامل گرایش افراد به اهداف فردی با در نظر گرفتن ابزار و نتایج کنش به صورت سنجیده؛ کنش عقلایی ارزشی: شامل باور آگاهانه به ارزش یک رفتار اخلاقی، زیباشناختی، مذهبی و غیره که فارغ از هرگونه چشم‌انداز بیرونی برای توفیق بیرونی است و به خاطر خودش وجود دارد؛ کنش عاطفی: که ناشی از تمایلات خاص و وضعیت احساسی شخص است؛ کنش سنتی: حاصل گرایش به سنت است که از طریق عادت‌های طولانی ایجاد شده است.

دورکیم در کتاب تقسیم کار علت آنومی را صنعتی‌شدن سریع می‌داند، ولی در کتاب خودکشی علت آنومی را به درون انسان‌ها مرتبط می‌سازد و انسان‌ها را سیری‌ناپذیر می‌داند و معتقد به این است که در آنها میل به لایتناهی وجود دارد. وی در دیگر آثار خود از جمله مقاله دوگانگی طبیعت بشری و شرایط اجتماعی و همچنین کتاب فلسفه و جامعه‌شناسی، آنومی را ناشی از فزون‌طلبی و منفعت‌طلبی و فردگرایی می‌داند (کوثری، ۱۳۸۰). وی بین دو نوع فردگرایی تفاوت قائل است: یکی فردگرایی افراطی مذموم که حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و ناشی از خودخواهی است و دوم فردگرایی ناشی از تقسیم کار که آن را کیش فرد



می‌داند و مذموم نمی‌شمارد (دورکیم، ۱۳۷۸: ۴۱۱). وی فردگرایی افراطی مذموم را ترجیح منافع فردی و گروهی بر جمعی می‌داند و چنانکه در تقسیم کار عنوان می‌کند، فردگرایی اخلاقی را نوعی کیش و ایمان مشترک برای جامعه مدرن و پدیده‌ای جمعی و مبنای اخلاق و همبستگی در جوامع جدید می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

روح کلی این نظریه که در ارتباط با تحقیق حاضر است این است که تمایلات و احساسات عامل ارتباط است. اگر مردم بیشتر بر اساس عاطفه و احساسات و ارزش‌ها با هم ارتباط برقرار کنند، تعلق اجتماعی آنها بیشتر می‌شود. هرچه منفعت‌طلبی بیشتر باشد تعلق اجتماعی کاهش می‌یابد.

ج) نظریه همبستگی

دورکیم با ارائه این نظر که علل آفریننده تصورات و عواطف و تمایلات جمعی، برخی از حالات شعور فردی نیست بلکه علل آفریننده آنها اوضاع و احوالی است که هیئت اجتماعی را فرا می‌گیرد، شکی نیست که این حالات اجتماعی، در صورتی تحقق می‌یابد که طبایع فردی مانع آنها نشود (دورکیم، ۱۳۷۳: ۱۱۷ و ۱۱۹). وی در بحث از واقعیت‌ها، بر جامعه و علل اجتماعی با توجه به خود فرد تأکید دارد.

دورکیم، وجدان جمعی را مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک، در میانگین افراد یک جامعه می‌داند که دستگاه معینی را تشکیل می‌دهد که حیات خاص خود را دارد و می‌توان آن را در حکم روح نوعی جامعه با همه خواص و شرایط وجودی‌اش و نوع توسعه‌اش دانست (دورکیم، ۱۳۸۱: ۷۷ و ۷۸).

وجدان جمعی از دو عنصر تشکیل شده است: باورها و احساسات مشترک. بخش تصویری و شناختی و بخش عاطفی وجدان جمعی. این دو، یک برآیند رفتاری دارد که آمادگی برای عمل است (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۳۹). عنصر تصویری همان شناخت و عقاید، و عنصر عاطفی احساس تعلق به جامعه‌ای است که فرد عضو آن است و عنصر آمادگی برای عمل، همان پیروی یا تخطی از هنجارهاست؛ یعنی همان تعهد عملی فرد به هنجارها. وی در کتاب خودکشی، عنصر سومی را در بحث خودکشی‌های ناشی از آنومی و خودخواهی بیان می‌کند. در مورد انطباق نظر دورکیم با موضوع این بررسی، باید گفت تعلق اجتماعی مجموعه تمایلات و تعلقات افراد به جامعه است. تعلقات اجتماعی، بخش عاطفی روح کلی جامعه است که سبب ایجاد تعهد می‌شود.



د) نظریه اعتماد

گیدنز در مبحث ارتباط بین کنشگران، مفهوم «ارتباط ناب» را بیان می‌کند. از نظر او، ارتباط ناب ارتباطی است که معیارهای برونی در آن تحلیل رفته باشد؛ ارتباط ناب تنها برای پاداشی به وجود می‌آید که از نفس خود ارتباط حاصل می‌شود. ارتباط ناب نیازمند تعهد پیشینی است که نوع ویژه‌ای از اعتماد، محسوب می‌شود و منظور از آن، تعهد به نفس ارتباط و همچنین به شخص یا اشخاص دیگر است. تقاضای صمیمیت، جزء تفکیک‌ناپذیر ارتباط ناب است که خود نتیجه همان اعتماد است. تعهد متاعی کمیاب است؛ به دلیل آنکه دقیقاً نیازمند کشش‌های روانی متقابل، در نوعی رابطه ناب است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۲ و ۳۰).

آنچه از نظریه اعتماد، با پژوهش حاضر، مطابقت دارد این است که عاطفه و وابستگی سبب حس تعلق اجتماعی بیشتر می‌شود. اعتماد، اساس ارتباط عاطفی و تعلق اجتماعی بین مردم است و تعلق اجتماعی سبب تعهد و وفاداری می‌شود. عدم اعتماد به نظام سیاسی، موجب کاهش حس تعلق اجتماعی می‌شود.

ه) نظریه ساخت‌یابی

جان کلام نظریه گیدنز، رابطه دیالکتیکی و دوگانه‌عاملیت و ساختار است. بدین ترتیب که هر کنش اجتماعی، دربرگیرنده ساختار است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. عاملیت و ساختار، به گونه‌ی جدایی‌ناپذیری در فعالیت یا عملکرد جاری بشر در هم تنیده‌اند. از نظر او، ساختارها همیشه الزام‌آور نیست بلکه هم‌ادارنده و هم‌تواناکننده است. وی معتقد است کنشگران قدرت‌گزینش دارند و عوامل مورد نظر گیدنز توانایی تأثیر گذاشتن بر جهان اجتماعی‌شان را دارا هستند (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۰۴ و ۷۰۶).

درباره ارتباط نظریه گیدنز و موضوع تحقیق حاضر باید گفت حس تعلق اجتماعی، تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه و عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر خود حس تعلق اجتماعی بر جامعه و ساختار آن تأثیر دارد.

و) جمع‌بندی نظریات

محورهای مشترک مورد توجه در نظریات گفته‌شده در بالا که با موضوع تحقیق در ارتباط هستند، عبارتند از اینکه: تعلق اجتماعی، ساخته و پرداخته جامعه است؛ ویژگی‌های شخصیتی فرد بر تعلق اجتماعی مؤثر است؛ پایگاه اجتماعی و اقتصادی بر تعلق اجتماعی مؤثر است؛ منفعت‌طلبی و فردگرایی سبب تضعیف تعلق اجتماعی می‌شود؛ بین اعتماد و تعلق اجتماعی رابطه متقابل وجود دارد.



جدول شماره ۱. جمع‌بندی نظریات

متغیرهای استخراج‌شده	مفاهیم اصلی	نظریه‌پردازان	نظریه
تعلق اجتماعی و شرایط اجتماعی	کنش، عوامل مؤثر بر کنش (کنشگر، زمینه و وضعیت، جهت‌گیری کنشگر نسبت به وضعیت	پارسونز	کنش اجتماعی
فردگرایی افراطی	الگوهای عام کنش، منافع جمعی در برابر منافع فردی	پارسونز	فردگرایی
	کنش عاطفی و رابطه تأیسی در برابر عقلانی هدفمند و رابطه تأیسی	وبر	
	فردگرایی افراطی و مذموم در برابر فردگرایی اخلاقی	دورکیم	
تعلق اجتماعی	تعلق اجتماعی به عنوان بخش عاطفی وجدان جمعی، وجدان جمعی در برابر وجدان فردی و ضعف تعلق به دلیل ضعف بخش عاطفی وجدان جمعی	دورکیم	همبستگی
اعتماد اجتماعی	انقباض قدرت سیاسی ناشی از انقباض اعتماد	پارسونز	اعتماد
	ارتباط ناب ناشی از اعتماد و تعهد ناشی از اعتماد	گیدنز	
تعلق و شرایط اجتماعی	عاملیت و ساختار و عملکرد	گیدنز	ساخت‌یابی



چهارچوب نظری تحقیق

با توجه به پیشینه نظری و تجربی تحقیق و آنچه در بیان مسئله آمد، ایران جامعه‌ای در حال گذار تلقی می‌شود و از آنجاکه هر جامعه در حال‌گذاری در این روند، دچار بحران می‌شود، ایران نیز در فرایند توسعه با مسائلی روبه‌رو شده که همه آنها بر سطح تعلق اجتماعی مؤثرند و به احتمال زیاد آسیب‌هایی که ممکن است از این رهگذر نصیب ایران شود، موجب تضعیف تعلق اجتماعی خواهند شد. باید بدانیم در این شرایط، وضعیت تعلق اجتماعی در ایران چگونه است و چه عواملی بر آن مؤثر است؟

آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است، ترکیبی از نظریه‌های گفته‌شده در بالاست که از یک سو برای مشخص کردن میزان تعلق اجتماعی در فرد به عنوان متغیر وابسته، بر نظریه کنش و همبستگی، تأکید بیشتری دارد و از سوی دیگر، در پرداختن به عوامل اجتماعی به این نظریه‌ها توجه خواهد شد؛ بنابراین در این پژوهش، با استفاده از یک دیدگاه ترکیبی، تعلق اجتماعی (بازتولید عملکرد کنشگر در جریان کنش) تحت تأثیر ساختارهاست و خود این ساختارها، تحت عنوان عوامل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌تواند بر آن مؤثر واقع شود.

پس مطابق با نظریه کنش، هر فرد مشهدی‌ای دارای نظام شخصیتی خاص با تمایلات و اهداف خاص خود است که در جامعه و توسط جامعه شکل گرفته است. حس تعلق اجتماعی مردم مشهد به عنوان یکی از تمایلات اساسی که پایه هویت جمعی آنهاست، در فراگرد کنش شکل گرفته و متأثر از زمینه اجتماعی و وضعیت فرد در شرایط اجتماعی است که در صورت مساعد بودن این شرایط، تعلق اجتماعی افراد می‌تواند افزایش یابد مثلاً اگر افراد شرایط اجتماعی را به نحوی تلقی کنند که باید از شرایط به نفع خود بهره ببرند، حس فردگرایی افزایش یافته و دیگرخواهی کاهش می‌یابد که در این جریان، فرد دلبستگی به «مای» جمعی را از دست خواهد داد. شرایط نابسامان اجتماعی و بی‌هنجاری می‌تواند تعلق اجتماعی را کاهش دهد و فرد به دنبال کسب مصلحت و منفعت و رسیدن به هدف خویش باشد. اگر کنش‌آزاری در جامعه افزایش یابد، تعلق اجتماعی کاهش می‌یابد و اگر مردم احساس کنند که دیگران در جریان کنش به نفع خود گام برمی‌دارند، آنها نیز چنین خواهند کرد یعنی فردگرایی افراطی افزایش خواهد یافت؛ بنابراین تفسیر فرد از کنش خود و دیگران، بر میزان تعلق اجتماعی مؤثر است.

از آنجاکه اعتماد اجتماعی، کنش اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه اجتماعی باید به نحوی باشد که اعتماد اجتماعی را تقویت کند، بدین ترتیب که فرد بتواند به هموطنان و مسئولان جامعه اعتماد کند و احساس اطمینان خاطر از زندگی در جامعه داشته باشد زیرا اگر مردم در شرایط بی‌اعتمادی زندگی کنند، به روابط اجتماعی خدشه وارد شده و تعلق کاهش می‌یابد و اگر به همدیگر اعتماد نداشته باشند، چگونه می‌شود که به همدیگر دلبستگی و وفاداری داشته باشند؟ پس بی‌اعتمادی، موجب انقباض تعلق اجتماعی می‌شود.

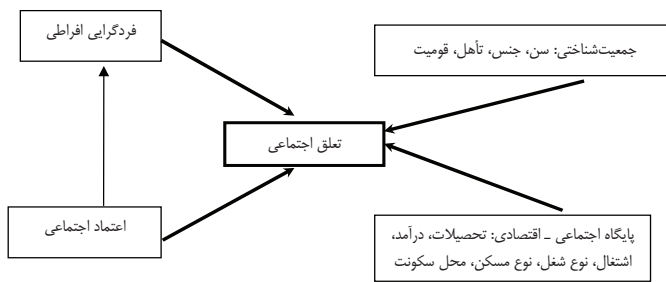
پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

مردم مشهد به چه میزان به جامعه ایران احساس تعلق اجتماعی دارند؟
 کدام متغیرهای زمینه‌ای (جمعیت‌شناختی و اجتماعی - اقتصادی) بر میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران مؤثر است؟
 آیا اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی بر تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران مؤثر است؟
 در راستای تقویت تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران چه راهکارهایی می‌توان پیش گرفت؟



فرضیه‌ها

۱. بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد؛
۲. بین متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد؛
۳. بین اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛
۴. بین اعتماد بین شخصی و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛
۵. بین اعتماد مدنی و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛
۶. بین اعتماد تعمیم‌یافته و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛
۷. بین فردگرایی افراطی و تعلق اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد؛
۸. بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی رابطه معکوس وجود دارد؛



مدل شماره ۱. نمایش روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم

الف) حس تعلق اجتماعی

حس تعلق توسط آنانت^۱ (۱۹۶۶: ۲۱) به عنوان یک حس درگیری شخصی، در یک سیستم اجتماعی تعریف شده است و افراد خود را بخش جدایی‌ناپذیری از نظام احساس می‌کنند. برلین و جانسون^۲ (۱۹۸۹) آن را به عنوان یک توجه گسترده، به منظور ایجاد و حفظ ارتباط با دیگران و نهادهای اجتماعی و محیط و خود تعریف کرده‌اند (Hagerty 'et al', 1992)

بر اساس سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران پس از نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی قرار گرفته که در اثر برآورده نشدن این نیاز، فرد به شدت درد تنهایی،

1. Anant

2. Berlin & Janson



انزوا، مطرود بودن، نداشتن دوست و نداشتن ریشه در جامعه را احساس می‌کند (مازلو، ۱۳۶۹: ۸۰) و در پی آن، به دنبال تعلق و عضویت در گروه و همسان بودن در اهداف و پیروزی‌های گروهی و قبولی عام یافتن و آسایش خاطر ناشی از آن است.

ابن خلدون، جوهره حیات جمعی را تعلق اجتماعی و روح یاری‌گری می‌داند که در بادیه‌نشینی از طریق اجتماع افراد بر اساس نظام خویشاوندی حاصل می‌شود و در شهرنشینی از طریق تأسیس و گسترش نهادها و سازمان‌های اجتماعی و روابط همسایگی صورت می‌پذیرد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

بنابراین، حس تعلق اجتماعی مجموعه عواطفی است که در جریان شکل‌گیری شخصیت فرد، توسط جامعه و جریان جامعه‌پذیری ایجاد می‌شود و عوامل اجتماعی سبب تغییر آن می‌شود، بنابراین با تأکید بر تعریف پولینی، تعلق اجتماعی عبارت است از حس دلبستگی، وابستگی و وفاداری به جامعه که موجب همبستگی بین افراد و ایجاد پیوستگی یا «احساس ما» شده به نحوی که فرد، خود را بخش جدایی‌ناپذیری از جامعه می‌داند.

ب) اعتماد

اعتماد اجتماعی حس ظن افراد نسبت به افراد جامعه است. عناصر و جنبه‌های یک رابطه اجتماعی مبتنی بر اعتماد عبارتند از: صداقت، صراحت، سهم کردن دیگران در اطلاعات و عقاید و افکار و احساسات، احترام و ارزش قائل شدن برای طرف مقابل، حمایت از شایستگی‌های طرف مقابل، تمایلات همیارانه و یاری‌گرانه و رفتارهای اعتمادآمیز (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۷).

تردی کویر، اعتماد را پایه و اساس زندگی توأم با اخلاق، مسئولیت و نیکویی می‌داند و معتقد است پیوندهای اجتماعی در سایه اعتماد شکل گرفته و ساخته می‌شوند (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۳۰).

در واقع، اعتماد نگرشی مثبت به فرد یا امری خارجی و بیانگر میزان ارزیابی از پدیده‌ای است که با آن مواجهیم؛ به عبارت دیگر اعتماد احساسی است که فرد یا افراد درباره چیزی تأییدشده دارند (عباس‌زاده ۱۳۸۳: ۲۶۹) به نقل از (معدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸).

چلبی پایه اعتماد را بر اساس احساسات جمعی استوار می‌داند زیرا با شکل‌گیری «ما» بُعد عاطفی آشکارتر شده و افراد نسبت به هم، نوعی دلبستگی عاطفی پیدا کرده و دیگر صرفاً به دلیل رفع نیازهای عادی‌شان (دنبال کردن منافع شخصی) با دیگران رابطه برقرار نمی‌کنند.



آنها هم‌نوعان خود را رقیب و دشمن نمی‌دانند و از اینکه در میان آنان هستند، احساس امنیت می‌کند و این اعتماد بین آنان را تقویت می‌کند (معدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸).

تعاملات اجتماعی مبنای تشکیل و قوام جامعه است و چنانکه گفته شد، از دید گیدنز، ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد نیز رابطه نزدیکی با صمیمیت دارد. بدین ترتیب در جریان ارتباط، شخص هم باید مورد اعتماد باشد و هم بتواند به دیگران اعتماد کند؛ در غیر این صورت، احساس عاطفی در رابطه آنها تضعیف خواهد شد. احساس بی‌اعتمادی می‌تواند ادراک منفی از شرایط اجتماعی را تقویت و زمینه نارضایتی از اوضاع فعلی و ناامیدی نسبت به آینده را نیز فراهم کند.

در پژوهش حاضر اعتماد اجتماعی بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۹۰).

ج) فردگرایی افراطی

دید پارسونز درباره فردگرایی همان است که فرد در انتخاب متغیرهای الگویی ممکن است کنش خود را به سمت آن جهت دهد و به جای منافع جمعی، منافع فردی را برگزیند. منافع فرد در تقابل با منافع جامعه در نظر گرفته می‌شود. مارکس، مفهوم آزمندی و خودخواهی را که توسط نظام سرمایه‌داری ایجاد شده مطرح می‌کند و اینکه باعث می‌شود نظام از تأکید بر مسئولیت مشترک جمعی به سوی فردگرایی پیوسته حرکت کند و بیشتر، آن را در بحث اختلاف منافع طبقاتی مورد بحث قرار داده است (کرایب، ۱۳۸۲: ۳۷۶ و ۳۸۳) و (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۳۸). و بر آن را مربوط به کنش‌های عقلانی بسیار هدفمند و نتیجه کنش ابزاری یا همان عقلانیت صوری می‌دانست که موجب کاهش وابستگی جمعی می‌شد. در نظریه تبادل هومنز، اساس کنش افراد را نفع و سود شخصی تشکیل می‌داد. نقطه مقابل فردگرایی، دگرخواهی است. می‌توان گفت دگرخواهی عبارت است از اینکه فرد بالاتر از تعهدات خود عمل کند؛ به‌طوری‌که منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد.



جدول شماره ۲. متغیرها، ابعاد و تعریف عملیاتی

متغیر	متغیر اصلی	ابعاد متغیر	معرف‌ها
تعلق اجتماعی	تعلق اجتماعی	تعلق به سرزمین	علاقه به ایران و زندگی در آن، تمایل به مهاجرت از ایران، افتخار به ایران
		تعلق به مردم	علاقه به مردم و نوع روابط آنها
		تعلق به نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و موقعیت فعلی	شرکت در فعالتهای سیاسی، علاقه به اسامی ایرانی، افتخار به زبان فارسی، دفاع از میهن و ارزش‌ها
عوامل اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد بین شخصی	اعتماد به دوستان، خویشاوندان و همکاران
		اعتماد مدنی	اعتماد به اجرای تصمیمات و قوانین دولتی، به صحت قوانین، صداقت گفتاری و کرداری مسئولان، توجه به خواسته‌های مردم
		اعتماد تعمیم یافته	اعتماد به غریبه‌ها و به صداقت مردم در امور
	فردگرایی افراطی	کسب سود و منفعت، ترجیح منفعت فردی بر جمعی، استفاده از کارهای غیرقانونی برای رسیدن به سود	
متغیرهای زمینه‌ای	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پایگاه اجتماعی - اقتصادی	سن و جنس و تأهل و قومیت، تحصیلات، درآمد، وضعیت اشتغال، نوع شغل، نوع مسکن، محل سکونت	



روش تحقیق و ابزار پژوهش

این پژوهش بر اساس رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی، انجام شده است. در جمع‌آوری اطلاعات مقدماتی و نظریه‌ها از روش اسنادی استفاده شده است. واحد تحلیل؛ فرد بوده و از پرسش‌نامه محقق ساخته برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسش‌نامه از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش نخست پرسش‌هایی است که اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی - اقتصادی فرد را می‌سنجد؛ و بخش دوم پرسش‌ها در قالب طیف لیکرت بوده که از پنج گزینه برای شدت آن گزینه متناسب با جهت گویه (مثبت یا منفی بودن گویه) در طیف استفاده شده است (از شماره ۱ تا ۵). رابطه میزان تعلق اجتماعی و (اعتماد اجتماعی و فرد گرایی) به وسیله طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

جمعیت آماری در این تحقیق، افراد ۲۰ سال به بالای شهر مشهد بوده‌اند که در نواحی چهل‌گانه از مناطق سیزده‌گانه مشهد سکونت داشته‌اند که طبق سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، ۱۵۳۰۸۲۷ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۱ ۳۸۴ نفر تعیین و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای (دواس، ۱۳۷۶: ۷۴)

1. Cochran

استفاده شده است. در این روش ابتدا نواحی چهل گانه در ۱۳ منطقه مختلف شهر مشهد در نظر گرفته شده و سپس برای اینکه بتوان نمونه‌ای معرف‌تر به دست آورد، طبق تحقیقات قبلی (یوسفی، ۱۳۸۸) نواحی مختلف در پنج خوشه شبیه به هم، تقسیم‌بندی شده که از هر خوشه، دو ناحیه به طور تصادفی انتخاب شده است. سپس در هر ناحیه دو بلوک و سپس از هر بلوک، تعدادی خانواده و سپس از هر خانواده یک نفر بالای ۲۰ سال به طور تصادفی برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب شده است.

روایی پژوهش، به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر، تضمین شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه طراحی شده به همراه چهارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش در اختیار اساتید قرار داده شد و نقطه نظرات آنها در تدوین نهایی پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده که آلفای حاصله به صورت زیر بوده است.

جدول شماره ۳. میزان آلفای کرونباخ متغیرها

نام متغیر	تعلق اجتماعی به جامعه	اعتماد اجتماعی	فردگرایی
میزان آلفای کرونباخ	۰/۸۵	۰/۸۴	۰/۸۴

یافته‌های توصیفی تحقیق

متغیرهای اسمی و ترتیبی

۵۰ درصد پاسخگویان زن؛ ۸۰ درصد فارس؛ ۷۵ درصد متأهل؛ ۶۷ درصد مسکن شخصی داشته‌اند. ۲۸ درصد تحصیلات سیکل و زیر دیپلم داشته و ۷۱ درصد شاغل بوده‌اند. همچنین شغل بیشتر پاسخگویان آزاد بوده که شامل ۵۰ درصد بوده است. بیشتر پاسخگویان از خوشه ۴ یعنی از طبقه پایین بوده‌اند که شامل ۲۳ درصد می‌شده است.

متغیرهای فاصله‌ای

متغیر تابع

میزان تعلق اجتماعی ۳۶/۷ درصد از پاسخگویان پایین بوده است. میانگین تعلق اجتماعی ۳۵/۹ بوده که از ماکزیمم ۶۰ خیلی فاصله دارد. همچنین میانگین نمره‌ای که پاسخگویان به هر یک از گویه‌های تعلق اجتماعی داده‌اند ۲/۷ بوده که در نقطه مقابل، عدم تعلق با مقدار ۲/۳ مطرح



بوده است که با حد مطلوب یعنی ماکزیمم ۵ فاصله زیادی دارد. در مورد میزان تعلق به نمادها و ارزش‌ها، میانگین نمره به هریک از گویه‌ها ۳/۲ بوده است؛ در مقابل، عدم تعلق به ارزش‌ها با نمره ۱/۸ مطرح است که در سطح متوسط رو به بالا قرار داشته است. درباره میزان تعلق به سرزمین، میانگین نمره به هریک از گویه‌های آن ۳/۴ بوده و نقطه مقابل یعنی عدم تعلق به سرزمین با نمره ۱/۶ مطرح بوده که در سطح متوسط رو به بالا قرار داشته است. البته میزان تعلق به مردم بیشتر پاسخگویان پایین بوده که شامل ۳۵/۴ درصد بوده است. میانگین نمره به هریک از گویه‌های آن ۲/۷ بوده که از سطح ماکزیمم ۵ فاصله قابل توجهی داشته است.

متغیرهای مستقل

بیشتر پاسخگویان ۳۷ سال سن داشته و میانگین سنی آنها ۳۴ سال بوده است. کمترین سن ۲۰ و بیشترین سن ۶۵ سال بوده است. بیشتر پاسخگویان ۵۰۰ هزار تومان درآمد داشته‌اند. میانگین درآمدی ۱/۷۱۵/۰۰۰ تومان بوده است. کمترین درآمد صفر و بیشترین درآمد دو میلیون تومان بوده است. اعتماد بین شخصی ۷/۲، اعتماد مدنی ۱۲/۴ و اعتماد تعمیم‌یافته ۴/۹، با فاصله از ماکزیمم ۲۱ و ۲۳ و ۱۵ که این نشان می‌دهد به ترتیب نقطه مقابل هر کدام ۱۳/۸ و ۱۰/۶ و ۱۱/۱ بوده که این مقدار به معنای عدم اعتماد اجتماعی است که با حد مطلوب فاصله بسیار زیاد دارد؛ پس اعتماد اجتماعی در جامعه بسیار پایین بوده است. میانگین فردگرایی ۷/۱ با فاصله از ماکزیمم ۱۵ بوده که مقدار ۶/۹ به معنای عدم فردگرایی است و این فاصله در حد متوسط بوده است.

جدول شماره ۱-۴. توصیف آماری ابعاد سه‌گانه تعلق اجتماعی

مینی‌م	ماکزیمم	میانگین	انحراف استاندارد	داده معتبر	
۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۷۶۸۲	۱,۲۳۳۱۱	۳۸۴	تعلق به مردم
۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۷۲۶۶	۱/۲۱۸۱۱	۳۸۴	تعلق به جامعه
۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۲۶۳۰	۱/۲۵۲۰۸	۳۸۴	تعلق به نمادها و ارزش‌ها و موقعیت ایران
۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۴۷۶۶	۱/۲۳۴۶۱	۳۸۴	تعلق به سرزمین

جدول شماره ۲-۴. توصیف آماری متغیرهای مستقل فاصله‌ای

مینی‌م	ماکزیمم	انحراف استاندارد	میانگین	داده		
				معتبر	گمشده	
۱/۰۰	۵/۰۰	۰/۹۹۸۵۴	۲/۰۰۲۷	۳۷۱	۱۳	اعتماد اجتماعی
۱/۰۰	۵/۰۰	۱/۳۳۳۴	۲/۶۸۳۴	۳۷۹	۵	فردگرایی افراطی



جدول شماره ۳-۴. آماره‌های توصیفی متغیرهای فاصله‌ای (مستقل و وابسته)

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	شماره گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
تعلق اجتماعی به جامعه	۱۲	۱۱ تا ۲۲	۳۵٫۹	۹٫۱
اعتماد بین شخصی	۴	۴۲ تا ۴۵	۷٫۲	۳٫۱
اعتماد مدنی	۵	۴۶ تا ۵۰	۱۲٫۴	۵٫۱
اعتماد تعمیم یافته	۲	۵۱ تا ۵۲	۴٫۹	۲٫۹
فردگرایی	۳	۵۳ تا ۵۵	۷٫۱	۳٫۸

بررسی و تحلیل آزمون فرضیه‌ها

از میان فرضیه‌هایی که برای متغیرهای زمینه‌ای (جمعیت‌شناختی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی) در نظر گرفته شده است، فرضیه‌هایی که تأیید نشده عبارت است از:

- بین تعلق اجتماعی زنان و مردان تفاوت وجود دارد؛
 - بین تعلق اجتماعی در بین پاسخگویان با مدرک تحصیلی متفاوت، تفاوت وجود دارد؛
 - تعلق اجتماعی با توجه به نوع شغل متفاوت است؛
 - تعلق اجتماعی بر حسب نوع مسکن متفاوت است؛
 - بین درآمد ماهیانه و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای دیگر به این صورت تأیید شده‌اند:

فرضیه: تعلق اجتماعی بر حسب قومیت متفاوت است.

پس از آزمون فرضیه فوق، مقدار f برابر $۹/۴۲$ و سطح معنی داری $۰/۰۰۰$ بوده است؛ لذا می‌توان گفت فرض صفر رد شده و تفاوت معناداری بین تعلق اجتماعی پاسخگویانی که قومیت متفاوت داشته‌اند، وجود داشته است. بیشترین تعلق اجتماعی در بین فارس‌ها و کمترین تعلق اجتماعی در بین ترک‌ها بوده است.

فرضیه: تعلق اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال متفاوت است.

پس از آزمون فرضیه فوق، در مقایسه میانگین‌ها، مقدار f برابر $۱/۵۶$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ بوده است؛ لذا می‌توان گفت تفاوت معنی داری بین تعلق اجتماعی پاسخگویان شاغل و بیکار و سایرین وجود داشته است. میانگین تعلق اجتماعی در بین شاغلان به شکل معناداری بیش از دو گروه دیگر بوده است.

فرضیه: بین تعلق اجتماعی پاسخگویان با محل سکونت تفاوت وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، مقدار f برابر $۱۴/۵۹$ و سطح معنی داری $۰/۰۰۰$ بوده است. پس



فرض صفر رد شده و در نتیجه بین تعلق اجتماعی پاسخگویان برحسب محل سکونت آنان، تفاوت معناداری وجود داشته است.

فرضیه: بین سن و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون؛ I برابر با $0/245$ و سطح معناداری $0/032$ بوده است؛ لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت فرض صفر رد شده و در نتیجه رابطه معنادار مثبتی بین دو متغیر سن و تعلق اجتماعی وجود داشته است؛ یعنی با افزایش سن، تعلق اجتماعی افزایش می یابد.

یافته های حاصل از فرضیه های مربوط به رابطه بین متغیرهای فاصله ای

فرضیه: بین تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون؛ I برابر با $0/599$ و سطح معناداری $0/000$ بوده است. با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت فرض صفر رد شده و در نتیجه رابطه معنادار مثبتی بین اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی وجود داشته است؛ یعنی با افزایش اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی افزایش می یابد.

فرضیه: بین اعتماد بین شخصی و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون، I برابر با $0/012$ و سطح معناداری $0/812$ بوده است؛ لذا فرض صفر تأیید شده و رابطه معناداری بین اعتماد بین شخصی و تعلق اجتماعی وجود نداشته است.

فرضیه: بین اعتماد مدنی و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون؛ I برابر با $0/291$ و سطح معناداری $0/015$ بوده است؛ لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت فرض صفر رد شده و در نتیجه رابطه معنادار مثبتی بین دو اعتماد مدنی و تعلق اجتماعی وجود داشته و با افزایش اعتماد مدنی، تعلق اجتماعی افزایش می یابد.

فرضیه: بین اعتماد تعمیم یافته و تعلق اجتماعی رابطه وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون؛ I برابر با $0/325$ و سطح معناداری $0/018$ بوده است؛ لذا با ضریب اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت فرض صفر رد شده و رابطه معنادار مثبتی بین دو متغیر اعتماد تعمیم یافته و تعلق اجتماعی وجود داشته و با افزایش اعتماد تعمیم یافته، تعلق اجتماعی افزایش می یابد.





فرضیه: بین فردگرایی افراطی و تعلق اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون؛ r برابر با $۰/۵۹۳-$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ بوده است؛ لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت فرض صفر رد شده و در نتیجه رابطه معنادار منفی بین دو متغیر فردگرایی افراطی و تعلق اجتماعی وجود داشته است. به این معنی که تعلق اجتماعی در بین افرادی که فردگرایی بیشتری داشته اند کمتر بوده و هرچه فردگرایی افزایش می یابد، تعلق اجتماعی کاهش می یابد.

فرضیه: بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی رابطه معکوس وجود دارد.

پس از آزمون فرضیه فوق، در ضریب همبستگی پیرسون؛ r برابر با $۰/۵۹۱-$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ بوده است؛ لذا با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت فرض صفر رد شده و در نتیجه رابطه معنادار منفی بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی وجود داشته است؛ یعنی در افرادی که اعتماد اجتماعی آنها بیشتر بوده، فردگرایی افراطی کمتر بوده و هرچه اعتماد اجتماعی افزایش می یابد، فردگرایی افراطی کاهش می یابد.

جدول شماره ۵. نتیجه آزمون فرضیه های متغیرهای فاصله ای

نتیجه	تعداد	sig	r	فرضیه
تأیید شد	۳۷۹	۰/۰۳۲	۰/۲۴۵	بین میزان تعلق اجتماعی افراد با سن آنان رابطه وجود دارد
رد شد	۳۷۹	۰/۱۴۵	۰/۳۸۰	بین میزان درآمد و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد
تأیید شد	۳۷۱	۰/۰۰۰	۰/۵۹۹	بین اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد
رد شد	۳۷۵	۰/۸۱۲	۰/۰۱۲	بین اعتماد بین شخصی و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد
تأیید شد	۳۷۵	۰/۰۱۵	۰/۲۹۱	بین اعتماد مدنی و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد
تأیید شد	۳۷۱	۰/۰۱۸	۰/۳۲۵	بین اعتماد تعمیم یافته و تعلق اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد
تأیید شد	۳۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۳	بین فردگرایی افراطی و تعلق اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد
تأیید شد	۳۷۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۱	بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی رابطه معکوس وجود دارد

بررسی و تحلیل آزمون های رگرسیون

روش: گام به گام؛ متغیر ملاک: تعلق اجتماعی؛ متغیرهای پیش بین: اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی. (کلانتری، ۱۳۸۷؛ افشاری، ۱۳۸۷؛ دواس، ۱۳۷۶).

جدول شماره ۶. رگرسیون چندگانه برای تعلق اجتماعی

مدل اول	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد پیش‌بینی شده
اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی	۰.۶۳۷	۰.۴۰۶	۰.۴۰۳	۲/۰۷۳۲۲

بر اساس اطلاعات جدول بالا، هر دو متغیر مستقل (اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی) در مدل باقی مانده‌اند که بر اساس آزمون رگرسیون چندگانه، در گام دوم مقدار ضریب همبستگی چندگانه برای پیش‌بینی تعلق اجتماعی از روی متغیرهای باقی مانده در مدل $R=۰.۶۳$ و ضریب تعیین $R^2=۰.۴۰$ بوده است. به این معنا که از روی این متغیرها، می‌توان تا حدود ۴۰ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته یعنی تعلق اجتماعی را در تحقیق حاضر پیش‌بینی کرد. واریانس پسمانده (تبیین نشده) در این مدل برابر با $۰/۶۰$ بوده یعنی ۶۰ درصد از واریانس مربوط به متغیر وابسته در این مدل تبیین نشده است.

جدول شماره ۷. آزمون تحلیل واریانس برای ارزیابی خطی بودن رابطه

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۲۷۲۹/۵۸۳	۲	۶۳۶۴/۷۹۲	۱۲۷/۲۱۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۸۶۱۱/۳۵۰	۳۷۲	۵۰/۰۳۱		
جمع	۳۱۳۴۰/۹۳۳	۳۷۴			

بر اساس اطلاعات حاصل از جدول ۶-۴ و نظر به نکات زیر، بین متغیرهای مورد بحث رابطه خطی وجود داشته است. سطح معنی داری بسیار کمتر از سطح خطا بوده؛ لذا رابطه خطی بین متغیرها تأیید شده است. بنابراین فرض صفر، با سطح ۹۹ درصد رد شده؛ یعنی بین متغیرهای مورد بحث، رابطه خطی وجود داشته، پس می‌توان از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده کرد.

جدول شماره ۸. جدول ضرایب استاندارد و غیر استاندارد شده متغیرهای مستقل معنی دار

مدل متغیر وابسته: تعلق اجتماعی	ضرایب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده eta β	مقدار آماره t	مقدار p	نتیجه آزمون
	ضریب B	ضریب خطای معیار				
مقدار ثابت	۲۰/۲۴۷	۱/۴۳۳		۱۴/۱۳۳	۰/۰۰۰	فرضیه تأیید شد
اعتماد اجتماعی	۰/۷۶۷	۰/۰۵۰	۰/۶۱۲	۱۵/۳۲۷	۰/۰۰۰	
فردگرایی افراطی	-۰/۴۲۸	۰/۹۴۰	-۰/۱۸۲	-۴/۵۵۵۱	۰/۰۰۰	



در جدول ۷-۴، سطح معناداری نشان داده که با توجه به مقدار t و مقدار $Beta$ و B متغیرهای عنوان شده در جدول یعنی دو متغیر مستقل (اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی) هر دو در مدل باقی مانده‌اند؛ پس بر اساس اطلاعات جدول می‌توان از روی ضریب $Beta$ یا همان میزان اثر هریک از متغیرهای مذکور بر تعلق اجتماعی، آنها را با یکدیگر مقایسه کرد. میزان مقایسه $Beta$ نشان داده که سهم نسبی اعتماد اجتماعی بر میزان تعلق اجتماعی، $0/61$ بوده که بیشترین تأثیر را بر تعلق اجتماعی داشته است و پس از آن، متغیر فردگرایی افراطی با ضریب تعیین $-0/18$ در مراتب بعدی تأثیرگذاری قرار گرفته است.

تحلیل مسیر

در تحلیل مسیر از مدل رگرسیونی چندمتغیره به روش گام‌به‌گام برای دنبال کردن مسیرهای تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته استفاده شده است. در جدول شماره ۵، تأثیرات مستقیم دو متغیر اعتماد اجتماعی و فردگرایی ارائه شده و در جدول شماره ۸ اثرات مستقیم فردگرایی افراطی و اعتماد اجتماعی بر همدیگر یعنی اثرات غیرمستقیم آنها بر تعلق اجتماعی، ارائه شده است. با توجه به مقایسه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی با ضریب $0/61$ بیشترین تأثیر مستقیم و با مجموع ضریب $0/10$ بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر تعلق اجتماعی داشته‌اند.

جدول شماره ۹. مدل رگرسیونی تحلیل مسیر

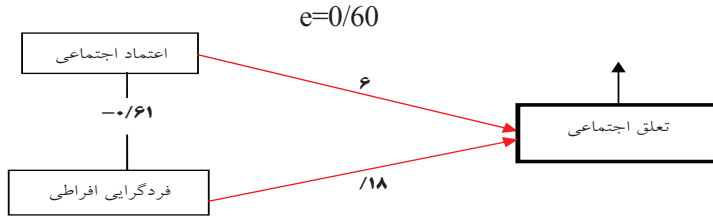
مدل ۲	متغیر وابسته: فردگرایی افراطی $R=0/61$ $R\text{ Square}=0/376$ $\text{Adjusted R Square}=0/374$		
مقدار ثابت	۱۸/۰۲۳		۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	-۰/۳۱۶	-۰/۶۱۳	۰/۰۰۰

جدول شماره ۱۰. تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰/۷۱	۰/۱۰	۰/۶۱	اعتماد اجتماعی - تعلق اجتماعی
-۰/۱۸	-	-۰/۱۸	فردگرایی افراطی - تعلق اجتماعی



مدل شماره ۲. مدل تجربی تحقیق با استفاده از تحلیل مسیر



نتیجه گیری

با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق، بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران بوده، نتایج یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه بالا نبوده و تا حد مطلوب فاصله زیادی دارد. در توضیح بیشتر سطوح سه‌گانه تعلق که در این بررسی آمده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان تعلق به مردم - که در اینجا با تعلق به تعاملات اجتماعی یکی گرفته شده است - نسبت به تعلق به سرزمین و تعلق به ارزش‌ها و نمادها و موقعیت ایران در سطح پایین‌تری قرار داشته است. در کوشش برای دستیابی به هدف نخست تحقیق، این نتیجه حاصل شده که شرایط جامعه به گونه‌ای بوده که میزان تعلق اجتماعی مردم را کاهش داده است.

با توجه به بیان مسئله و پیشینه تجربی تحقیق و از همه مهم‌تر یافته‌های حاصل در این پژوهش باید گفت شرایط و موقعیت فعلی ایران سبب نوعی ادراک منفی و در نتیجه کاهش حس تعلق اجتماعی به جامعه شده است. کاهش تعلق اجتماعی پیامدهایی همچون ترک وطن و کاهش احساس مسئولیت و مشارکت سیاسی و همچنین کاهش تعاملات اجتماعی در جامعه را به همراه داشته است. چنانکه بیشتر افراد تمایل داشته‌اند به کشوری دیگر مهاجرت کنند. همچنین داده‌ها نشان‌دهنده کاهش حس مسئولیت و مشارکت سیاسی و اجتماعی بوده است و بیشتر افراد انجام کارهای شخصی خود را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی ترجیح داده‌اند. از سوی دیگر، بیشتر افراد تمایلی به شرکت در جنگ نداشته‌اند.

هدف دوم تحقیق حاضر، بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای (جمعیت‌شناختی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی) بر تعلق اجتماعی بوده است. در راستای دستیابی به این هدف، نتایج آزمون‌ها نشان داد که از بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، دو فرضیه از چهار فرضیه تأیید شده است؛ به این صورت که رابطه بین سن و قومیت با تعلق اجتماعی معنادار شده و با افزایش



سن تعلق اجتماعی افزایش می‌یابد. شاید این به دلیل تفاوت نسلی و تفاوت در ارزش‌ها و انتظارات دو نسل از زندگی باشد؛ به این معنی که همیشه نسل جوان انتظارات بیشتری دارند و سطح توقعات آنها بالاست و به دنبال ارزش‌های مدرن هستند و اینها می‌تواند تعلق اجتماعی را کاهش دهد. درباره قومیت، داده‌ها نشان داده که فارس‌ها، تعلق اجتماعی شدیدتری نسبت به سایر اقوام دارند.

از چهار فرضیه مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی، دو فرضیه رد شده‌اند بدین صورت که رابطه بین تأهل و جنس با تعلق اجتماعی معنادار نشده است. از میان فرضیه‌های مربوط به پایگاه اجتماعی - اقتصادی، از تعداد شش فرضیه دو فرضیه تأیید شده که طبق آنها، تعلق اجتماعی با توجه به وضعیت اشتغال متفاوت است. همچنین فرضیه مربوط به رابطه بین طبقه اجتماعی (محل سکونت) و تعلق اجتماعی به دلیل وجود رابطه معنادار تأیید شده است. هدف سوم تحقیق حاضر بررسی تأثیر (اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی)، بر تعلق اجتماعی مردم بوده است. در راستای دستیابی به این هدف، پس از آزمون فرضیات، این نتایج حاصل شده است:

۱. اعتماد اجتماعی بر تعلق اجتماعی مؤثر بوده است. از بین ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی، اعتماد مدنی و تعمیم‌یافته با تعلق رابطه معنادار داشته‌اند و فرضیه‌های مربوط به آنها تأیید شده است، ولی رابطه‌ای بین اعتماد بین شخصی و تعلق اجتماعی وجود نداشته است. همچنین فردگرایی افراطی با تعلق اجتماعی رابطه معنادار داشته و با افزایش فردگرایی در افراد تعلق اجتماعی آنها کاهش می‌یابد.

نتیجه‌ای که از مقایسه نتایج متغیرهای مستقل در رگرسیون چندمتغیره حاصل شده مشخص کرده که اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر تعلق اجتماعی داشته است؛ این بدین معنا بوده که شرایط اجتماعی جامعه به گونه‌ای بوده که نتوانسته اعتماد اجتماعی مردم را تأمین کند؛ در نتیجه این بی‌اعتمادی موجب تضعیف تعلق اجتماعی مردم به جامعه شده است. به‌طورکلی نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد و فردگرایی بر تعلق اجتماعی مؤثر بوده و بدین ترتیب مبنای نظری تحقیق نیز تأیید شده است.

با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص شد که مردم اعتماد خود را نسبت به هموطنان و مسئولان از دست داده‌اند و به صحت تصویب و اجرای قانون اعتماد نداشته‌اند؛ از سویی، کاهش اعتماد اجتماعی موجب کاهش تعلق اجتماعی به جامعه شده است. این بدین معنا بوده



که ساختار جامعه به گونه‌ای است که نتوانسته از مردم جلب اعتماد کند؛ پس زمینه بی‌اعتمادی در بستر جامعه نهفته است و همین بی‌اعتمادی موجب کاهش دلبستگی فرد به عناصر جامعه شده است. یعنی خود جامعه شرایط انقباض اعتماد اجتماعی را فراهم کرده است. از آنجاکه این بی‌اعتمادی بیشتر در بحث اعتماد مدنی مطرح است، کاهش اعتماد به ساختار سیاسی، کاهش تعلق اجتماعی را به همراه داشته است.

۲. در بحث فردگرایی نیز باید گفت، نوعی فردگرایی منفی در جامعه رواج یافته و رو به افزایش است و انقباض اعتماد اجتماعی این فردگرایی را تشدید کرده است. فرد در نتیجه ادراک منفی از شرایط اجتماعی سعی می‌کند در تعارض نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را برگزیند؛ حتی اگر به دیگران آسیب برساند پس تعلق خود به «مای» ملی را از دست داده و به طور کلی تعلق اجتماعی او کاهش می‌یابد.

راهکارها

در بررسی حاضر، مشخص شده که تعلق اجتماعی مردم در سطح متوسط است. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل اجتماعی بر کاهش تعلق اجتماعی مؤثر بوده که این عوامل ساخته و پرداخته شرایط جامعه بوده است؛ لذا می‌توان پیشنهادهای زیر را برای افزایش تعلق اجتماعی مردم مطرح کرد:

۱. مهاجرت به دیگر کشورها از جمله معرف‌هایی بوده که در این بررسی سنجیده شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده تمایل افراد برای مهاجرت بوده است. پس برای جلوگیری از مهاجرت افراد از یک سو باید، برای افزایش سطح توسعه‌یافتگی جامعه کوشید و با بالا بردن سطح رفاه عمومی، نگرش و گرایش مثبت نسبت به محیط و شرایط ایران در عموم افراد ایجاد کرد؛ از سوی دیگر با حمایت از نخبگان فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه، از خروج سیل‌آسای سرمایه‌های مالی و انسانی به خارج از کشور جلوگیری کرد.

۲. از آنجا که یافته‌های تحقیق حاضر نشان داده‌اند، بیشتر پاسخگویان تمایلی به شرکت در فعالیت‌های سیاسی نداشته‌اند، از یک سو با اطمینان دادن به مردم از اینکه نتایج عملشان عاید خودشان می‌شود، می‌توان آنها را به مشارکت سیاسی تشویق کرد و از سویی با نهادینه کردن ارزش‌های مشارکت سیاسی، در جریان جامعه‌پذیری یعنی درونی‌کردن آن در افراد، می‌توان خودبه‌خود آنها را برای به دوش کشیدن بار مشارکت سیاسی آماده کرد.



۳. یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند بیشتر افراد ماندن در کنار خانواده را بر شرکت در جنگ ترجیح می‌دهند، یعنی مسائل ایثار و فداکاری و کنش قهرمانی در حال حاضر، در جامعه ما در حال رنگ‌باختن است. برای رفع این مسئله، باید فرهنگ ایثارگری و شهادت را از طریق نظام آموزشی، درونی کرد.

۴. در جامعه ما، بین گروه‌های اولیه با روابط غیررسمی و گروه‌های ثانویه با روابط رسمی، خلأ وجود دارد؛ به عبارت دیگر افراد در چهارچوب گروه‌های اولیه، روابط دارند و بلافاصله به داخل شبکه رسمی می‌روند؛ بینایی برای برقراری روابط اجتماعی برای افراد نیست تا «مای» ملی را تقویت و مستحکم کند، می‌توان گفت اصلاً امکان تقویت «مای» ملی در خلال فعالیت‌های روزانه وجود ندارد. تشکیل گروه‌های داوطلبانه در جامعه برای برقراری روابط اجتماعی که فراتر از روابط خویشاوندی، قومی، طبقاتی، صنفی، شغلی و مذهبی باشد ضرورتی است که باید بدان پرداخت، زیرا تشکیل چنین گروه‌های داوطلبانه ملی، با ادغام انواع گروه‌های موجود در جامعه با همدیگر، موجب بسط ارزش‌های و نمادها و هنجارهای ملی در جامعه می‌شود و با بالا رفتن شناخت افراد از جامعه و ارزش‌های آن، گرایش مثبت در افراد ایجاد می‌شود؛ و مهم‌تر اینکه باید با شناخت مبانی همگرایی ملت ایران و شناخت عوامل تهدیدکننده این همگرایی، به تقویت تعلق اجتماعی جامعه پرداخت.

۵. از دیگر عوامل مؤثر بر میزان تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی بوده است. طبق یافته‌های تحقیق حاضر، اعتماد اجتماعی در جامعه بسیار پایین بوده است. میزان و شعاع اعتماد اجتماعی از یک سو بین مردم و از سوی دیگر بین مردم و دولت پایین بوده و اعتماد افراد در سطح خویشاوندی نسبت به اعتماد مدنی و تعمیم‌یافته بیشتر بوده است. رعایت قوانین مدنی و ملی به عنوان میثاق ملی، توسط سران و مسئولان و نخبگان نظام می‌تواند به افزایش اعتماد اجتماعی کمک کند؛ در غیر این صورت میثاق اجتماعی حالت صوری و کاذب پیدا خواهد کرد که عموم تصور می‌کنند این میثاق فقط برای اجرا توسط مردم نوشته شده و برای نخبگان جامعه جنبه نمایشی دارد. پس مردم نیز اعتماد خود را به قانون و قانون‌نویسان از دست خواهند داد. اگر مردم شاهد اختلاس‌ها و دروغ‌پردازی‌ها باشند، اعتماد آنها ضعیف‌تر و تعلق ملی آنها کاهش می‌یابد، پس باید از چنین رفتارهای غیرقانونی‌ای، پیشگیری به عمل آورد.

۶. فردگرایی نیز از دیگر عوامل مؤثر بر تعلق اجتماعی بوده است. گفته شد که رشد فردگرایی در جامعه موجب کاهش تعلق اجتماعی شده است. فردگرایی یعنی اینکه نفع فردی



در مقابل نفع جمعی قرار گیرد. برای اینکه این دو به جای اینکه مقابل هم باشند، در جهت هم قرار داشته باشند، باید دست‌کم نیازهای ابتدایی فرد برآورده شود که فرد برای رسیدن به اهداف اولیه خود، ارزش‌های جمع‌گرایانه را زیر پا نگذارد. البته کاهش نابرابری و از بین بردن احساس تبعیض در افراد، نقش عمده‌ای در این روند خواهند داشت. گفته شد در شرایط بحرانی مثل جنگ، ممکن است افراد صحنه را خالی کنند، به همین دلیل باید تلفیق جمع‌گرایی نسبت به اجتماع ملی با فردگرایی مثبت و اخلاقی در همه ابعاد جامعه مد نظر قرار گیرد. یعنی استقلال فردی، خوداثربخشی، احترام به خود، خودشکوفایی و خودباوری جایگزین خودمداری و کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران شود؛ یعنی در کنار توجه به قابلیت‌ها و استعداد‌های افراد، آنها را در جهت استفاده از این توانایی‌ها، برای منافع و مصالح عمومی آموزش داد.

نباید گذاشت که فردیت‌طلبی، به لایه‌های عمقی جامعه یعنی سطح ارزش‌ها نفوذ کند و باید آن را در لایه‌های سطحی برطرف کرد.



- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴)، *ابعاد هویت ایرانی*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، *اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون*، تهران: سروش.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی*، بی جا: مولف.
- افشانی علیرضا (۱۳۸۷)، *آموزش کاربردی SPSS در علوم اجتماعی و رفتاری*، یزد: دانشگاه یزد.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، مترجم: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، *خودکشی*، مترجم: ناصر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، *درباره تقسیم کار*، مترجم: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، مترجم: باقر پرهام، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، *آنانومی جامعه (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گی (۱۳۷۴)، *کنش اجتماعی*، مترجم: هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- قمری، داریوش (۱۳۸۴)، *همبستگی ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- کرایپ، یان (۱۳۸۲)، *نظریه اجتماعی کلاسیک*، مترجم: شهناز مسمی پرست، تهران: آگه.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۷)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*، تهران: فرهنگ صبا.
- کمپ، استوارت (۱۳۶۹)، *روان‌شناسی اجتماعی کاربردی*، مترجم: فرهاد ماهر، مشهد: آستان قدس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *تجدد و تشخیص*، مترجم: ناصر موفقیان، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مازلو، ابراهام. اچ (۱۳۶۹)، *انگیزش و شخصیت*، مترجم: احمد رضوانیمشهد: آستان قدس رضوی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، تهران: علم.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، *اقتصاد و جامعه*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: مولی.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا و سیدضیاء هاشمی (۱۳۸۴)، «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوراهی اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۶، صص ۱۷۳-۱۴۱.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷)، «بحران‌های اجتماعی ایران امروز»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۸، صص ۸۰-۵۱.
- معیدفر، سعید و پرویز جهانگیری (۱۳۸۸)، «اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعه موردی شهر ارومیه»، *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، صص ۶۷-۴۸.
- ملکی، امیر و علیرضا عباسپور (۱۳۸۸)، «بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه‌های آن»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دهم، صص ۱۷۷-۱۵۹.
- ناطق پور، محمدجواد (۱۳۸۳)، «توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراها»، *آموزش علوم اجتماعی*،



دوره هشتم، صص ۲۸-۳۲.

یوسفی، علی (۱۳۸۸)، *طبقه‌بندی اجتماعی نواحی شهر مشهد*، مشهد: شهرداری مشهد معاونت فرهنگی اجتماعی، ویرایش اول.

رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۶)، «بررسی مفهوم هویت جمعی و جایگاه هویت ملی در شهر مشهد با تأکید بر دو عامل عام‌گرایی و عدالت توزیعی بر هویت جامعه‌ای (ملی)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه فردوسی مشهد.

کوثری، مسعود (۱۳۸۰)، «علل مؤثر بر آنومی سیاسی در شهروندان تهرانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

موحدی، مسعود (۱۳۸۶)، *نگاهی به نیم‌رخ فرهنگی ایرانیان*: www.bashgah.net

Pollini, Gabriele (2000), *Social Belonging*, Second Edition, E. F. Borgatta, R. J. Montgomery Encyclopedia of Sociology.

Canada, Statistics (2003, 2004) *General Social Survey On Social Engagemen*, An Overview of Findings, Cycle 17. pp. ۵۹۸-589.

Eclac (2007), *Social Cohesion: Inclusion and a Sense of Belonging in the United Nations. Economic Commission Latin America and Caribbean* (Eclac), Printed in May (2007).

Ameli, Saied Reza (2002) , *The Enteraction Between Religion Globalizatioon Citizenship*, Nameh Ye Olum-Ejtemai, Winter. pp. 167-200.

Bev, Jamse (2004), *Community Attachment, Determinants, Indicators and Measures* . Working Paper for Building Attachment in Communities Affected by Residential Mobility and Transience .www.cresa.co.nz

Cross, Jenifer E. (2003), *Conceptualizing Community Attachment*, Department Of Sociology.

Hagerty, B. M., Lynch-Sauer, J., Patusky, K. L., Bouwsema, M., & Collier, P. (1992), *Sense of Belonging: A Vital Mental Health Concept*. Archives of Psychiatric Nursing, Vol. V I. pp. 172-177.

Narayan, Deepa. Cassidy, Michae. F. (2001), "A Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and Validation of a Social Capital Inventor", *Current Sociology*, March, Vol. 49, pp. 102-159.

Javier, Trivino. A. (2009), 'George C. Homans, "The Human Group and Elementary Social Behavior"', *The Encyclopaedia of Informal Education*. www.infed.org

